

بررسی نقش آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در توسعه کارآفرینی در عصر جهانی شدن

مرضیه عبدالوهابی فرزانه شکر^۱ معصومه عبدالوهابی^۲

. دانشجویان کارشناسی ارشد تحقیقات آموزشی دانشگاه شهید چمران

اهواز marzeyeh_abdolvahabi@yahoo.com

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی دانشگاه آزاد ساوه

masumeh_abdolvahabi@yahoo.com

چکیده

در عصر حاضر، دانش و فعالیت کارآفرینی در اقتصاد مبتنی بر بازار کار، نقش کلیدی در تحولات هر جامعه دارد، که در این راستا مهارت‌آموزی یکی از راهکارهای اصلی و اساسی توسعه جوامع می‌باشد. هدف اصلی مقاله حاضر بررسی چگونگی افزایش تأثیر آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در توسعه کارآفرینی در عصر جهانی شدن است. روش انجام این مطالعه توصیفی-تحلیلی، کتابخانه‌ای می‌باشد. مقاله حاضر با ارائه تعاریفی از مفاهیم فنی و حرفه‌ای و کارآفرینی، به بررسی راهکارهای افزایش تأثیر آموزش‌های فنی و حرفه‌ای بر توسعه کارآفرینی پرداخته است. نتایج این بررسی حاکی از آن است که جهانی شدن و تأثیرات آن، سیاست‌گذاری در آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و کارآفرینی را اجتناب‌ناپذیر ساخته است. همچنین یافته‌های این مطالعه نشان داد که اگرچه بسیاری از فارغ‌التحصیلان این آموزش‌ها به دلایل متعددی توانایی جذب در بازار کار را ندارند، اما آموزش‌های فنی و حرفه‌ای به طور بالقوه نقش مهمی در تربیت نیروی انسانی کارآفرین دارد که با مدیریت و برنامه‌ریزی مناسب، می‌توان از نتایج آن بهره‌مند گردید. نظام آموزش فنی و حرفه‌ای با ایجاد تغییرات برنامه‌ریزی شده و هدفمند در سه بخش مواد، روش‌ها، نگرش ذی‌نفعان و مسئولین می‌تواند در جهت افزایش کارآفرینی کارآموزان حرکت کند. در پایان این مقاله به راهکارها و پیشنهادهای در این زمینه اشاره می‌شود.

کلمات کلیدی: آموزش فنی و حرفه‌ای، کارآفرینی، جهانی شدن

مقدمه

سیر تاریخی توسعه اقتصادی و صنعتی کشورهای پیشرفته نشان می‌دهد که پویایی نظام آموزشی و پیوند عمیق بین علم و تکنولوژی با اشتغال‌زایی یکی از عوامل مهم ترقی، شکوفایی و توسعه اقتصادی و فرهنگی آنها بوده است. توسعه سرمایه انسانی از الزامات عصر حاضر می‌باشد که با سرمایه‌گذاری در آموزش درست و متناسب با عصر دانایی، می‌تواند به صورت رشد اقتصادی نتیجه دهد. داشتن نیروی کار با انگیزه، انعطاف‌پذیر و خوب آموزش دیده، رمز موفقیت جوامع است (وزارت آموزش و پرورش رواندا ۲۰۰۸ ص ۲، یونسکو ۲۰۱۰، احمدی پور ۱۳۸۸). ارائه آموزش متناسب با فناوری‌های پیشرفته و نیازهای عصر حاضر در کشور نیز، از آن جهت که در زمره جوان‌ترین کشورهای جهان قرار دارد و حجم عظیمی از نیروی آماده به کار و دارای پتانسیل بالقوه در آن نهفته است، دارای اهمیتی بیش از پیش است.

آموزش فنی و حرفه‌ای، آموزشی هزینه‌بر است که اگر بازگشت سرمایه‌ای که از آن انتظار می‌رود را نداشته باشد، اتلاف هزینه و منابع شده است. اقتصاد کنونی که مبتنی بر دانش است، مهارت‌های مورد نیاز نیروی انسانی و آموزش آنها را تغییر داده است، در حالیکه افزایش بیکاری دانش‌آموختگان مؤید این مطلب است که آموزش‌های فنی حرفه‌ای کشور پاسخگوی این نیازها نمی‌باشند. آموزش از طریق خلق فرصت‌ها و استفاده از نهایت توانمندی‌های انسانی بر سرعت فرایند توسعه می‌افزاید. آموزش و پرورش به مفهوم اعم آن تأثیری دوگانه بر اشتغال دارد که یکی ذخیره‌سازی عرضه بالقوه نیروی کار و دیگری، آماده‌سازی نیروی تازه‌وارد به بازار کار برای کارآفرینی و اشتغال مولد است (نفیسی، ۱۳۷۸ به نقل از منشی و همکاران، ۱۳۸۹).

در شرایطی که به دلیل تغییرات سریع تکنولوژیک و تحولات اقتصادی، پیش‌بینی تغییرات بازارکار وجود ندارد، ضرورت هماهنگی مستمر بین نظام آموزشی و بازارکار بیش از پیش محسوس است (هینز^۱، ۱۹۹۶). در چنین فضایی کارآفرینی به مثابه عامل رشد، توسعه و نیز یکی از شاخص‌های تأثیرگذار هر جامعه‌ای است (حسینی‌لرگانی و همکاران ۱۳۸۷ ص ۱۱۹). در این راستا نظام آموزشی باید در ایجاد و پرورش روحیه کارآفرینی در اعضای خود تلاش کند. در واقع پیوند اجتناب‌ناپذیر نظام آموزشی با نظام اقتصادی رسالت کارآفرینی را بر آن تحمیل کرده است و آموزش را از آمادگی برای زندگی به پاسخ‌گویی در زمینه نظام اقتصادی تغییر داده است و در حال حاضر،

عملکرد نظام آموزشی با توجه به پیامدهای اقتصادی آن بررسی می‌شود و از نتایج پژوهش‌ها به عنوان منبعی برای ابتکار عمل در اقتصاد و جامعه استفاده می‌شود (عدلی ۱۳۸۴).

امروزه هر کشوری که خواهان توسعه اجتماعی و اقتصادی است، پایه‌های دانش و مهارت را از طریق یک سیستم ارائه برای رسیدن به فرصت‌های مناسب فراهم می‌سازد. آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، از طریق تربیت نیروی ماهر مورد نیاز بازارکار، نقش مهمی در تشکیل سرمایه انسانی دارد. این آموزش‌ها نه تنها عهده‌دار تربیت نیروی کار مورد نیاز بخش‌های مختلف اقتصادی کشورها می‌باشد، بلکه با بسترسازی در زمینه خوداشتغالی و کارآفرینی، به حل مشکل بیکاری و انطباق با تغییرات شغلی نیز کمک می‌نماید. این آموزش‌ها راه میان‌بری در مسیر تربیت نیروی انسانی نیز به شمار می‌روند، زیرا از یک طرف با بهره‌مندی این آموزش‌ها از مبانی علمی و استفاده از روش‌های پذیرفته شده آموزش‌های کلاسیک، راه خود را از یادگیری بر مبنای تجربه عملی صرف جدا کرده و از این طریق راه درازمدت و غیرعلمی این نوع فراگیری را کوتاه نموده و توانایی هماهنگی آموزش-دیدگان در مقابل تغییرات تکنولوژیکی سریع را فراهم می‌کنند. جوامع در حال توسعه می‌خواهند به واسطه کسب مهارت‌های کاری، اشتغال‌زایی کنند و نرخ بیکاری را کاهش دهند و آمادگی بیشتری برای تغییرات تکنولوژیکی و صنعتی کسب کنند و در جذب سرمایه‌گذاری خارجی توانمند گردند. بنابراین، نکته مورد توجه این است که بازدهی مثبت از آموزش مهارتی، زمانی حاصل می‌شود که به طریق مناسب طراحی شوند و ارائه‌ای با کیفیت را متضمن گردند (سلیمی فر و مرتضوی ۱۳۸۴ ص ۶۳). مسائلی از قبیل عدم اشتغال و کارآفرینی فارغ‌التحصیلان، مطابقت نداشتن شغل و تخصص، میزان پایین انتقال از مدرسه به محیط کار، ناکارآمدی فارغ‌التحصیلان، عدم تناسب مهارت‌های دانش‌آموختگان با بازارکار، جذب و هدایت دانش‌آموزان ناکارآمد و با پیشرفت کم به مدارس فنی و حرفه‌ای، عدم ارتباط با صنعت و بازارکار و برنامه‌های درسی متمرکز، بازانديشي و اصلاح نظام آموزش فنی و حرفه‌ای را اهمیتی بیش از پیش داده است و این نظام باید تمام توانایی‌های خود را جهت حرکت به سمت کارایی و اثربخشی به کار گیرد (درانی و صالحی ۱۳۸۵). روزنامه بازار کار (۱۳۸۹) اعلام کرده است که نرخ بیکاری در سال ۱۳۸۸ در بین نوجوانان و جوانان ۱۵ تا ۲۴ ساله ۲۲/۴ تا ۲۴/۱ در نوسان بوده است. همچنین نرخ بیکاری سال ۱۳۸۹ را بیشتر از سال قبل خوانده است. این وضعیت باعث افزایش توجه سیاستگذاران و تصمیم‌گیران سیاسی به نقش بالقوه‌ی کارآفرینان به عنوان تنها راه حل کاهش نرخ بیکاری و دستیابی به رفاه اقتصادی شده است (گارون^۱ و سین‌نیدی^۲ ۱۹۹۴ ص ۳-۴). همان‌طور که اشاره شد تعداد زیاد فارغ‌التحصیلان بدون مهارت، بیکاری را به یکی از معضلات مهم کشورهای در حال توسعه تبدیل کرده است. در دهه اخیر، آموزش‌های فنی و حرفه‌ای با رویکرد تربیت نیروی انسانی در بسیاری از کشورهای جهان مورد توجه قرار گرفته است. آموزش فنی و حرفه‌ای، کسب دانش و مهارت برای جهان کار را شامل می‌شود و در واقع هر نوع یادگیری، آموزش و مهارت‌آموزی که به کار یا

1. Garavan

2. cinneide

کارآفرینی مربوط است، را در بر می‌گیرد (وزارت آموزش و پرورش رواندا ۲۰۰۸ ص ۲). کارآفرینی که یکی از اهداف این نوع آموزش‌هاست (نکانزا، ۲۰۰۳، ص ۱)، و می‌توان آن را فرایند ایجاد ارزش از راه تشکیل مجموعه منحصر به فردی از منابع به منظور بهره‌گیری از فرصت‌ها دانست (احمدپورداریانی، ۱۳۷۸). در واقع پیوند اجتناب‌ناپذیر نظام آموزشی با نظام اقتصادی، رسالت کارآفرینی را بر آن تحمیل کرده است و آموزش را به پاسخ‌گویی در مقابل تغییرات نظام اقتصادی متعهد ساخته است. با شناسایی ظرفیت‌های بالقوه نظام آموزش فنی و حرفه‌ای که یکی از مهم‌ترین بخش‌های نظام آموزشی هر کشور است، می‌توان نقش بسزایی در اثربخشی و تربیت نیروی انسانی کارآفرین، ایفا کرد. در جهان فراصنعتی امروز توسعه به معنی عام بدون توجه به آموزش‌های فنی و حرفه‌ای مفهوم نخواهد داشت. انقلاب علمی- فنی، انقلابی عمیق و کیفی در نیروهای تولید و از آن جمله در نیروی انسانی و روش‌های تولید به وجود آورده است (اوکتچ^۱، ۲۰۰۷، ص ۲۳۳). کشور ایران در برنامه سوم توسعه (۱۳۴۴-۱۳۴۱) تربیت نیروی انسانی ماهر را مورد توجه قرار داده است. یکی از مهم‌ترین هدف‌های این برنامه تأمین نیازهای نیروی انسانی و طراحی برنامه‌های آموزشی به ویژه در بخش فنی و حرفه‌ای بود که نیازهای جامعه را برای رشد اقتصادی و اجتماعی از نظر نیروی انسانی متخصص در سطوح مختلف بر طرف کند (فیوضات ۱۳۷۴). نتایج فعالیت‌های انجام شده در طول شش برنامه دیگر و اولین برنامه توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی نشانه عدم توفیق نسبی این نوع آموزش‌ها بوده است (ایزدی و حیدری، ۱۳۸۱ ص ۳۸). با توجه به نرخ بیکاری فارغ‌التحصیلان، اهمیت زیاد کارآفرینی برای اشتغال‌زایی نوجوانان و جوانان کشور، و برگزاری دوره‌های بسیاری از آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و هزینه‌های سنگین متحمل بر آن در استان‌های مختلف کشور در این مقاله به بررسی چگونگی افزایش تأثیر آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در توسعه کارآفرینی کارآموزان پرداخته می‌شود.

به عبارت دیگر هدف از مقاله حاضر، پاسخ‌گویی به سؤال زیر است:

چگونه می‌توان نقش آموزش‌های فنی و حرفه‌ای را در افزایش و توسعه کارآفرینی کارآموزان افزایش داد؟

مبانی نظری و پیشینه تحقیق

آموزش فنی و حرفه‌ای

آموزش فنی: این آموزش سیستم ساختار یافته‌ای است که در کسب دانش و مهارت‌های ضروری برای ادامه مطالعات کارآموزان در سطح سوم آموزشی یا برای تمرین یک حرفه برای استفاده در بازار کار است. از سوی دیگر این آموزش بیشتر بر آموزش نظری و تئوری تأکید دارد (وزارت آموزش و پرورش رواندا ۲۰۰۸ ص ۳).

1. Oketch

آموزش حرفه‌ای: سیستمی است که به کارآموزان در دریافت دانش و مهارت‌های ضروری کمک می‌کند تا بدست آوردن حرفه‌ای را برای بازار کار تمرین کند. این نوع آموزش، کارآموزی شغلی مقدماتی و کارآموزی شغلی مداوم را شامل می‌شود(همان).

آموزش فنی و حرفه‌ای: انجام آن نوع فعالیت‌هایی است که فرد را برای احراز شغل، حرفه و کسب و کار آماده می‌کند یا کارآیی وی را در انجام آن‌ها افزایش می‌دهد یا باعث ایجاد مهارت‌هایی می‌شود که به کاهش مخارج و افزایش کیفیت زندگی او منجر خواهد شد(امیری ۱۳۸۸ص ۱۳).

آموزش فنی و حرفه‌ای برگرفته از نیازهای جامعه است، نیازهایی که ناشی از عوامل گوناگون نظیر ضرورت‌های پیش آمده در سطح بین‌المللی و ملی، تغییرات فناوری، تحولات اجتماعی و اقتصادی، نگرش افراد و استفاده‌کنندگان از این آموزش‌هاست. اکنون باید با بازسازی سیاست-گذاری‌ها، برنامه‌ریزی و مدیریت آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، منابع و امکانات جامعه را برای رسیدن به هدف‌ها به کار گرفت و بستری برای اجرای مناسب آن‌ها را در جامعه فراهم نمود، چرا که آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و مهارت‌ها، ضمن برآوردن نیاز منابع انسانی و ارتقای آن‌ها، در جهت اشتغال‌زایی و به کارگیری نیروهای ماهر گام برمی‌دارد(وزارت آموزش و پرورش رواندا ۲۰۰۸ص ۳). آموزش و پرورش نکانزا نیز در این رابطه، هدف اصلی هر سیستم آموزش فنی و حرفه‌ای را توسعه کارایی مردم با مهارت‌های مناسب برای تقاضاهای بازارکار دانسته و اشاره کرده است که همه سیستم‌های آموزش فنی و حرفه‌ای در زمینه همخوان کردن مهارت‌ها، دانش و نگرش‌های دانش-آموزان با نیازهای بازارکار با چالش روبه‌رو هستند(نکانزا ۲۰۰۳ص ۱).

در کشورهای در حال توسعه، آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، کارکرد ترمیمی، تطبیقی و تعاملی داشته و نقش‌های مهم زیر را ایفا می‌کند:

- ۱- پی‌ریزی و به حرکت درآوردن فرایندهای تحولات اقتصادی- اجتماعی
 - ۲- جلوگیری از انزوای اجتماعی افراد محروم از بازارکار
 - ۳- فائق آمدن بر تغییرات دائمی تکنولوژی و فضای عدم اطمینان موجود در بازارکار
 - ۴- تمرین مدیریت، انقلاب در تفکر مدیریتی و توسعه مهارت‌های مدیریتی برای ارتقاء ظرفیت رقابت‌پذیری بنگاه‌ها و تطبیق آنها با شرایط اقتصاد جدید سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای کشور.
- توسعه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و افزایش مهارت در فرایند تولید، امر حیاتی برای کشورها محسوب می‌شود؛ زیرا سرمایه‌گذاری‌های زیربنایی و افزایش ابزار و تجهیزات بدون سرمایه انسانی کارآمد، اثربخشی لازم را نخواهد داشت(سیفیه ۱۳۸۵ ص ۲۰).

هک و هک (۱۹۹۸) موفقیت و عدم موفقیت اجرای برنامه‌های آموزش فنی و حرفه‌ای در سطح کشورهای آسیایی را به عوامل متعددی اجتماعی، اقتصادی و دولت نسبت داده‌اند.

در مقاله حاضر، به منظور روشن ساختن نقش این آموزش‌ها در کارآفرینی، با استفاده از ابزار (SWOT) به بررسی ویژگی‌های آموزش‌های فنی و حرفه‌ای پرداخته شده است:

جدول شماره ۱: بررسی نقاط قوت، ضعف، فرصت‌ها و تهدیدهای آموزش فنی و حرفه‌ای (آزاد،

۱۳۸۶)

نقاط قوت:	نقاط ضعف:
<ul style="list-style-type: none"> - مورد اهمیت قرار گرفتن آموزش فنی و حرفه‌ای توسط دولت - سازماندهی آموزش فنی و حرفه‌ای به عنوان یک اولویت ملی - برگزاری دوره‌های آموزشی در رشته‌های مختلف - گسترش بسیاری از دوره‌های آموزشی فنی و حرفه‌ای به منظور جذب نوجوانان و جوانان - وجود سامانه سازماندهی نیروی انسانی - وجود سیستم ارتقاء منابع انسانی 	<ul style="list-style-type: none"> - عدم پاسخگویی روش‌های تدریس و برنامه درسی آموزش فنی و حرفه‌ای به تقاضاهای بازار کار - ناکافی بودن تجهیزات و مواد آموزشی - نداشتن معلمان بانگیزه و دقیق - عدم پاسخگویی مؤسسات به نیازهای آموزش فنی و حرفه‌ای - لینک نبودن آموزش فنی و حرفه‌ای با بازار کار و مؤسسات - پایین بودن سطح مشارکت بخش خصوصی و عمومی - پایین بودن توانایی منابع انسانی در طراحی و اجرای آموزش فنی و حرفه‌ای - عدم وجود نظارت مستمر و مؤثر - اجرای ناهماهنگ آموزش فنی و حرفه‌ای از طریق وزارتخانه‌های مختلف و مؤسسات خصوصی - عدم جذب دانش‌آموزان با استعداد - عدم وجود ستاد کارآفرینی در آموزشگاه‌های فنی و حرفه‌ای کشور - توسعه کمی و با شتاب در این آموزش‌ها - مدیریت غیر مشارکتی و سلسله‌مراتبی موجود - عدم وجود راهبری کلان مؤثر بر این نظام آموزشی - برنامه‌ریزی آموزشی سنتی و غیرتعاملی موجود
فرصت‌ها:	تهدیدات:

<ul style="list-style-type: none"> - فقدان نهاد سیاست‌گذار کلان در سطح ملی - برای آموزش‌های فنی و حرفه‌ای - ناتوانی تجهیزات - عدم دسترسی گسترده به مهارت‌های اساسی و پایه - موانع اقتصادی - مقاومت مربیان در برابر استفاده از روش‌های تدریس نوین - بیکاری ناشی از کیفیت نیروی کار - تغییرات سریع فناوری - دست دوم تلقی شدن آموزش‌های فنی و حرفه‌ای - جایگاه و منزلت پایین این آموزش‌ها در بین مردم - عدم وجود آموزش‌های مادام‌العمر - فقدان مشارکت بخش خصوصی در آموزش‌های فنی و حرفه‌ای - انحلال دانشکده‌های تربیت دبیر فنی - مشخص نبودن رابطه آموزش و کار 	<ul style="list-style-type: none"> - فراهم ساختن بازدهی فوری اقتصادی و اجتماعی - بازخورد سریع به نیازها - جمع‌آوری سریع دانش و مهارت مورد نیاز - سازماندهی آموزش در جهت توسعه کارآفرینی - پرورش روحیه کارآفرینی در کارآموزان - حرکت به سمت عدم تمرکز در اجرا و سیاست‌گذاری - ارائه تسهیلات و وام به منظور یاری رساندن به کارآموزان در زمینه خوداشتغالی - آموزش فنی حرفه‌ای برای توسعه پایدار - تغییر نقش آموزش‌های فنی حرفه‌ای از تخصص محوری به سمت رشد نیروی کار
--	--

کارآفرینی

کارآفرینی یکی از مفاهیم مطرح در حوزه علوم انسانی است و از آنجا که مفاهیم علوم انسانی همانند مفاهیم علوم تجربی قطعی و واحد نیست، ارائه یک تعریف مشخص برای واژه‌های آن، به سادگی امکان‌پذیر نیست. از این رو درک کامل موضوع کارآفرینی نیازمند داشتن دیدگاه بین رشته‌ای است؛ چرا که کارآفرینی بر حسب ماهیت خود و بر حسب توجه محققان رشته‌های مختلف از دیدگاه‌های اقتصادی، روان‌شناسی، جامعه‌شناسی و حتی تاریخ تعریف شده است (احمدپور داریانی ۱۳۸۰ ص ۳).

از نگاه هیسریچ، کارآفرینی عبارت است از فرایند نوآوری و بهره‌گیری از فرصت‌ها با تلاش و پشتکار بسیار، همراه با پذیرش ریسک‌های مالی، روانی و اجتماعی که با انگیزه توفیق طلبی، رضایت شخصی، استقلال و کسب سود مالی صورت می‌پذیرد (هیسریچ ۱۹۸۵ نقل در فیض و صفایی ۱۳۸۸).

مهارت‌های کارآفرینی

کازی میرو (۲۰۰۳)، مهارت‌های کارآفرینی را به چهار دسته تقسیم می‌نماید:

۱. مهارت تکنیکی (فنی): مهارت‌های تکنیکی (فنی) به همه دانش کسب شده از طریق فرایند یادگیری مشخصی مرتبط می‌باشد که عبارتند از: بازاریابی، برنامه‌ریزی استراتژیک، مدیریت تولید و مدیریت کیفیت.

۲. مهارت‌های اجتماعی: این مهارت‌ها نتیجه مستقیم از فرآیندهای اجتماعی افراد می‌باشد و شامل: ارتباطات، مذاکره، کارگروهی، تصمیم‌گیری و حل مسأله می‌باشد.

۳. مهارت‌های ابزاری: این مهارت‌ها نتیجه فرآیند تعامل پیچیده میان افراد، دانش فرایند (ضمنی) و تمایل به عملی کردن آن می‌باشد و شامل نوآوری و ابتکارپذیری می‌باشد.

۴. مهارت‌های مدیریتی: این مهارت‌ها شامل: سازماندهی، مهارت‌های مدیریت منابع انسانی و فعالیت‌های مالی و تجاری می‌باشد (کازیمیرو ۲۰۰۳ نقل در مقیمی و همکاران ۱۳۸۶ ص ۹۸) اندرسون و همکاران مهارت‌های کارآفرینی را در سه طبقه قرار می‌دهند:

۱. مهارت‌های فردی، از قبیل: نوآوری، ریسک‌پذیری، توانایی رویارویی با ناشناخته‌ها، پذیرفتن چالش‌ها، مسؤولیت پذیرفتن و جستجوی فرصت‌های تغییر می‌باشد.

۲. مهارت‌های ارتباطی، مهارت‌های بین فردی شامل: تعامل مؤثر با دیگران، ارتباطات مؤثر، مذاکره (چانه‌زنی) نفوذ و رهبری اثرگذار می‌باشد.

۳. مهارت‌های فرآیندی، شامل: توانایی برنامه‌ریزی و سازماندهی، توانایی در تجزیه و تحلیل محیط و ارزیابی آن، توانایی اجراء برنامه‌ها می‌باشد (اندرسون و همکاران ۲۰۰۶ نقل در مقیمی و همکاران ۱۳۸۶ ص ۹۹).

شناخت این مهارت‌ها به این دلیل مهم است که برای توسعه کارآفرینی در بین کارآموزان، باید این مهارت‌ها را در آنها تقویت نمود.

پیشینه پژوهشی:

یونسکو (۲۰۱۰ ص ۱)، اعلام کرد که برخی از فارغ‌التحصیلان آموزش‌های فنی و حرفه‌ای کنیا، می‌توانند مهارت‌های کارآفرینی را به کار گیرند، زیرا مهارت‌های مناسب شغلی را در آموزش‌های فنی و حرفه‌ای کسب می‌کنند. کنیا به منظور کسب دستاوردهای بیشتر در این زمینه، سیستم مناسبی را شامل مؤسساتی جهت طراحی محتوای آموزشی اثربخش‌تر برای آماده کردن جوانان به منظور حضور در محیط‌های کار ایجاد کرده است. در کنیا کارآفرینی با آموزش فنی و حرفه‌ای به عنوان بخشی از برنامه درسی تلفیق شده که کارآموزان می‌توانند فنون شغلی را مانند ارزش‌گذاری، اظهارنامه مالی، صورت جلسه توافق کاری، بازاریابی، پیش بردن طرح‌ها و نظایر آن را فراگیرند (همان ص ۵). منافع بالقوه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در کنیا، بهبود بخشیدن به وضعیت شغلی فارغ‌التحصیلان و افزایش مشارکت بخش خصوصی و صنعت بیان شده است (همان ص ۶).

کوتزه^۱ (۲۰۰۸ص ۴۸۰) بیان کرد که آموزش‌های فنی و حرفه‌ای به منظور اثربخشی بیشتر در کاهش فقر و بهبود بخشیدن کیفیت و عدالت اجتماعی، مستلزم تغییر در سه ویژگی آن است:

۱. تغییر از اقتصاد رسمی به اقتصاد غیررسمی

۲. تغییر مفهوم کار از استخدام به کار به عنوان فعالیت‌هایی برای امرار و معاش

۳. تغییر از توسعه پایدار به امرار و معاش پایدار

وزارت آموزش و پرورش رواندا (۲۰۰۸ ص ۱۰)، نقاط ضعف آموزش فنی و حرفه‌ای رواندا را در اشتغال کارآموزان، عدم پاسخگویی به تقاضاهای بازارکار، نبودن روش‌های تدریس و برنامه درسی مناسب، ناکافی بودن تجهیزات و مواد آموزشی، پایین بودن سطح مشارکت بخش خصوصی و عمومی، پایین بودن توانایی منابع انسانی در طراحی و اجرای آموزش فنی و حرفه‌ای دانسته است.

اوکتچ (۲۰۰۷ ص ۲۳۳)، در مقاله‌ای که روند آموزش فنی و حرفه‌ای آفریقا را بررسی کرده است، پیشنهادهایی برای آموزش فنی و حرفه‌ای مؤثر و کارآفرین ارائه نمود که عبارتند از:

- افزایش برنامه‌های آموزش فنی و حرفه‌ای در محتوای کلی
- انعطاف برنامه‌ها براساس نیاز فراگیران
- ارتباط قوی آموزش فنی و حرفه‌ای با نیروی انسانی مورد نیاز و راه‌حلی برای معضل بی-کاری

- افزایش محتوای آموزش فنی و حرفه‌ای در برنامه‌های عمومی و کلی
- پرداختن آموزش‌های فنی و حرفه‌ای به مهارت‌های سطح بالا
- ارتقاء مهارت‌ها متناسب با تغییرات تکنولوژی

واران و ون (۲۰۰۵)، در بررسی طولی، تأثیر آموزش کارآفرینی را در گروهی از دانشجویان پنج برنامه درسی، مورد مطالعه قرار داد. نتایج آنان نشان داد که آموزش کارآفرینی بر رفتار جاری و انگیزه آتی دانشجویان تأثیر مثبت دارد (نقل در خدابنده‌لو ۱۳۸۹ ص ۶۳). بردیستل و همکاران (۲۰۰۷)، با بررسی تأثیر آموزش کارآفرینی به این نتیجه رسیدند که خود اشتغالی فراگیران، رفتار کارآفرینی و ذهنیت مثبت به آن تحت تأثیر این دوره‌ها افزایش می‌یابد. همچنین کازمایاز (۲۰۰۳) و لندسترم (۲۰۰۵) بر این عقیده‌اند که آموزش کارآفرینی بر آماده-سازی دانشجویان در این زمینه تأثیر مثبت دارد (نقل در خدابنده‌لو ۱۳۸۹ ص ۶۶).

همچنین، نکانزا (۲۰۰۳)، در مقاله‌ای به توصیف تجدید نظرها و اصلاحات آموزش کارآفرینی و شغلی و آموزش فنی^۱ در زامبیا و چگونگی تضمین کیفیت همه جوانب فرایند یادگیری پرداخته است. او ضمن اشاره به این که پیگیری اجرای آموزش با کیفیت به توسعه همه جانبه استعداد های دانش‌آموزان و کارآموزان و آمادگی آن‌ها در مقابل چالش‌های زندگی کمک می‌کند، اصولی را به منظور بازسازی فرایند سیستم آموزشی معرفی کرده است، که عبارت است از:

- افزایش ظرفیت‌های سیستم آموزشی برای توسعه برنامه آموزشی که مهارت‌های سودمند بازارکار را ایجاد کند و فارغ‌التحصیلان را برای ورود به بخش‌های تولیدی توانمند سازد.

- تسهیل‌سازی اکتساب مهارت‌های ضروری فنی، شغلی، تولیدی و کارآفرینی

- افزایش توسعه و توزیع فناوری‌هایی که به طور کارآمد می‌توانند در سرمایه‌گذاری‌های مقیاس کوچک برای ایجاد تولید و استخدام مورد استفاده قرار گیرند.

- افزایش توسعه فرصت‌های آموزشی برای مهارت‌های شغلی در آموزش‌های فنی و مؤسسات

شغلی و افزایش منابع نیروی انسانی برای بخش تولیدی اقتصاد جامعه (نکانزا، ۲۰۰۳ ص ۴).

فانگ‌مین و چیوسانگ^۲ (۲۰۰۲)، پژوهشی به منظور مقایسه عملکرد کارآموزان فارغ‌التحصیل مراکز فنی و حرفه‌ای با فارغ‌التحصیل دبیرستان که در صنایع خودرو مشغول هستند، در ایالات بیجینگ کشور چین انجام دادند. یافته‌های آنان نشان داد که عملکرد و کارایی کارآموزان مراکز فنی و حرفه‌ای نسبت به مراکز دبیرستان بالاتر بوده است (نقل در کریمی ۱۳۸۴ ص ۲۷).

تابارون^۳ و یانگ^۴ (۱۹۹۸ ص ۳۲۳) با بررسی تعامل آموزش‌های فنی و حرفه‌ای با توسعه اقتصادی کشورهای پیشرفته، بیان نمودند که اقتصاد کشورهای توسعه یافته در دهه‌های اخیر تحت تغییرات سریع قرار گرفته است. تغییرات فناوری، تشدید رقابت در بازار جهانی، جهانی شدن، نگرش دموگرافیک و خصوصی سازی از جمله این تحولات است. این تحولات مطالبات جدید برای کار بیشتر و سازگار با عصر حاضر، چند مهارتی و خلاق را طلب می‌کند. تابارون و یانگ (۱۹۹۸) برای برآورده کردن این مطالبات و نیز کاهش شکاف بین آموزش دانشگاهی و آموزش حرفه‌ای، به موارد زیر اشاره کرده‌اند:

۱. ایجاد زمینه آموزش عمومی آموزش‌های حرفه‌ای به منظور بالا بردن مهارت دانش‌آموزان متوسطه

۲. تقویت همکاری بین مقامات سازمان آموزش و پرورش، اشتغال و نیز صنایع

۳. عدم تمرکز در روند آموزش فنی و حرفه‌ای

1. Technical Education, Vocational and Entrepreneurship Training (TEVET)

2. Fang min & Chiu tang

3. Tabbron

4. Yang

هوان تانگ^۱ (۱۹۹۲)، به بررسی نتایج طولانی مدت ناشی از شرکت در آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در ایالات متحده پراخت که نتایج پژوهش نشان داد، شرکت در این دوره‌ها تأثیر زیادی بر ورود و اشتغال افراد به بازار کار داشته است (نقل در کریمی ۱۳۸۴ ص ۳۵).

تحقیقات بی‌شماری در زمینه تأثیر آموزش کارآفرینی بر فعالیت‌های کارآفرینان صورت گرفته است اما با این حال هنوز هم تأثیر این آموزش‌ها مبهم و غیرقطعی می‌باشد. اوستریک و همکاران^۲، (۲۰۱۰)؛ گراونیتز^۳ و همکاران، (۲۰۱۰). برخی از نتایج تحقیقاتی که در زمینه تأثیر این نوع آموزش‌ها انجام شده‌اند، به شرح زیر است:

۱. افرادی که تحت آموزش‌ها قرار گرفته‌اند، قادر به راه‌اندازی کسب و کار برای خود شده‌اند.
۲. افزایش اطلاعات فراگیران در زمینه چستی و چگونگی کارآفرینی (هیتی^۴ و همکاران ۲۰۱۰).

۳. افزایش مهارت‌های حل مسأله، نوآوری و مهارت‌های کارگروهی (آنک‌تاد^۵ ۲۰۱۰).

۴. تغییر نگرش و انگیزه فراگیران نسبت به کارآفرینی و افزایش مشارکت آنان در فعالیت‌های پرخطر (اوستریک و همکاران ۲۰۱۰).

۵. افزایش مسؤلیت‌پذیری فراگیران، موفقیت آنان در چالش‌های کسب و کار، کاهش نرخ بیکاری و شکست کسب و کار افراد آموزش دیده (اوگبنل و لیوآمادی^۶ ۲۰۱۰).

۶. افزایش شناخت افراد از ضعف‌ها، علایق و توان‌مندی‌هایشان تحت تأثیر آموزش مهارت‌های کارآفرینی، و آماده نمودن فراگیران در جهت ایجاد یک واحد کسب و کار و دستیابی به فرصت‌های شغلی جدید و ورود به عرصه‌های رقابت‌های اقتصادی (گراونیتز و همکاران ۲۰۱۰).

گالووی و همکارانش (۲۰۰۵) نیز مهارت‌های کارآفرینی را با میزان اهمیت این مهارت‌ها در کارآفرینی طی انجام مطالعات و تحقیقاتی در چهار دانشگاه، ابتکار، مهارت ارتباطی، مهارت سازمانی، اعتماد به نفس، پشتکار، مهارت مدیریت، مهارت تیمی و شم مالی بیان کرده است.

در این تحقیقات، ابتکار بیشترین درصد را به خود اختصاص داده (۹۶/۴٪) و این نشان دهنده اهمیت این مهارت برای کارآفرینان می‌باشد و به ترتیب مهارت‌های ارتباطی، مهارت‌های سازمانی، اعتماد به نفس، پشتکار، مهارت‌های مدیریت افراد، مهارت‌های تیمی و شم اقتصادی قرار دارد (گالووی و همکاران ۲۰۰۵ نقل در مقیمی و همکاران ۱۳۸۶ ص ۹۹).

1 . Howan Tang
2 . Oosterbeek
3 . Graevenitz
4 . Hytti
5 . Unctad
6 . Awogbenle

یافته‌های بدست آمده از پژوهش ابراهیم‌زاده در سال ۱۳۸۶ با عنوان نقش آموزشکده‌های فنی و حرفه‌ای در کارآفرینی دانش‌آموختگان نشان داد که انگیزه دانشجویان آموزشکده فنی و حرفه‌ای، موجب رشد نگرش مناسب و تقویت روحیه کارآفرینی در آنها شده و نقش مؤثری در رفتار کارآفرینی آنان داشته‌است.

سلیمی‌فر و مرتضوی (۱۳۸۴ص ۶۳) در مطالعه‌ای با عنوان سرمایه انسانی و کارآفرینی در رویکرد فنی و حرفه‌ای به بررسی موفقیت مراکز آموزش فنی و حرفه‌ای در زمینه تشکیل سرمایه انسانی و پرورش روحیه کارآفرینی پرداختند. نتایج بدست آمده از تحقیق آنان نشان داد که آموزش‌های فنی و حرفه‌ای توفیق قابل توجهی در پرورش نیروی کار ماهر (سرمایه انسانی) و تربیت نیروی انسانی خود اشتغال (کارآفرین) داشته و می‌توانند به عنوان یک راه میان‌بر در جهت توسعه سرمایه انسانی ایفای نقش نمایند. همچنین نتایج این پژوهش نشان داد که کمبود سرمایه و عدم مهارت از مهمترین موانع خود اشتغالی کارآموزان است و عواملی مانند کمبود امکانات، عدم علاقه به رشته آموزشی، عدم تجربه در راستای خود اشتغالی، نداشتن گواهی پایان خدمت برای پسران، نداشتن مدرک تحصیلی نیز از دیگر موانع خود اشتغالی محسوب شده است (همان ۸۰). در تقابل با نتایج این پژوهش، یافته‌های پژوهش شریف و همکاران (۱۳۸۶)، که به بررسی کارایی بیرونی شاخه فنی و حرفه‌ای آموزش متوسطه شهرستان شهرکرد پرداختند، حاکی از آن است که نرخ اشتغال فارغ‌التحصیلان در دوره مورد بررسی تقریباً ۲۵ درصد بوده است و درصد بالایی از آنان، در مشاغل غیر مرتبط با رشته تحصیلی خود اشتغال دارند. شاخص‌های مورد بررسی این تحقیق بر مبنای شاخص اشتغال بر حسب نوع و محل اشتغال و ادامه تحصیل فارغ‌التحصیلان و نرخ پذیرفته شدن در مراکز آموزش عالی بود. تحلیل نتایج این پژوهش می‌تواند مبنی بر ضعف آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در افزایش کارآفرینی و خوداشتغالی باشد. همچنین یعقوبی (۱۳۸۹) در مقاله‌ای با عنوان آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و کارآفرینی، به چالش‌های موجود در آموزش کارآفرینی اشاره کرده و برنامه‌ریزی درسی متمرکز و غیر متمرکز را در قالب یک مدل بینابین برنامه درسی معرفی کرده است. هم‌راستا با این پژوهش، ایزدی و حیدری (۱۳۸۱) با بررسی وضعیت اشتغال کارآموزان آموزش دیده فنی و حرفه‌ای استان مازنداران طی برنامه دوم توسعه اقتصادی- اجتماعی، نشان دادند که از نمونه مورد مطالعه ۳۹ درصد اشتغال یافته‌اند که از این میزان ۱۹ درصد اشتغال مرتبط با مدرک آموزشی و ۲۰ درصد نیز اشتغال غیرمرتبط با مدرک آموزشی دارند. به علاوه، کاوسی (۱۳۸۶)، پژوهشی با هدف وضعیت اشتغال فارغ‌التحصیلان آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و کار و دانش انجام داد. یافته‌های آن نشان داد ۱۷/۴ درصد از گروه نمونه فنی و حرفه‌ای و ۱۵ درصد از نمونه کار و دانش در مشاغل مرتبط با رشته خود ارتباط دارند و نسبت اشتغال مرتبط با رشته تحصیلی در بخش دولتی بیشتر از بخش خصوصی است. یافته‌های برزگر و محمدی (۱۳۸۱)، لرستانی (۱۳۸۱)، برزگر (۱۳۸۲) نشان داد که آموزش‌های کاردانش و فنی و حرفه‌ای متناسب با نیازهای بازار کار

نموده است در حالی که نتایج حسینی (۱۳۸۱) و عطاریان (۱۳۸۰) رضایت کارآموزان را از مهارت‌های آموخته شده در این مراکز نشان داده است.

تأثیر آموزش فنی و حرفه‌ای بر افزایش کارآفرینی افراد

یکی از عوامل اصلی بیکاری بسیاری از فارغ التحصیلان فنی و حرفه‌ای، وجود شکاف بین آموزش‌های موجود و نیازهای واقعی بازار کار است که ارائه آموزش‌های مناسب می‌تواند در پر کردن این شکاف مؤثر باشد. در این زمینه داشتن اطلاعات درست، به موقع و کافی برای تصمیم‌گیری شغلی در حیطه‌های شناخت خویشتن (قوت‌ها و ضعف‌ها)، مشاغل موجود در جامعه و چگونگی شرایط ورود به آن‌ها، توجه به بازارکار و نیازهای شغلی آینده جامعه یک ضرورت اجتناب ناپذیر است (پورآتشی ۱۳۸۷). کلید موفقیت کارآفرینی، یافتن روش‌های خلاقانه‌ای است که با بکارگیری تکنولوژی‌های جدید یا بازاریابی بهتر، سریع‌تر و کم هزینه‌تر کالاهای جدید، خواسته‌های بشری را به نحو احسن برآورده می‌سازند. این به معنای تولید کالاهای موجود با هزینه‌های کمتر یا ارتقاء کیفیت آن‌ها و یا به معنای ایجاد بازارهایی برای کالای کاملاً جدید است. تعاریفی که از کارآفرینی ارائه شده مبین آن است که، کارآفرین منتظر سرمایه‌گذاری و ایجاد شغل از طرف دولت نیست. او خود با شناخت صحیح از فرصت‌ها و استفاده از سرمایه‌های راکد امکاناتی را فراهم نموده و با سازماندهی و مدیریت مناسب منابع، ایده خویش را عملی می‌نماید. او تنها خودش شاغل نمی‌شود، بلکه بدون اتکا به دولت، در بخش غیر دولتی برای تعداد دیگری نیز شغل می‌آفریند و علاوه بر آن نقش مهمی در تولید و اشتغال مولد دارد. این امر سبب کاهش نرخ بیکاری بدون نیاز به سرمایه‌گذاری دولت برای ایجاد اشتغال می‌گردد. البته دولت می‌تواند با ارائه تسهیلات و پیگیری سیاست‌های مناسب، حرکت کارآفرینان را شدت و شتاب بخشد (حسینی و مرادپور ۱۳۸۷ به نقل از قلی‌پور و طالبی ۱۳۹۰). آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در این زمینه می‌توانند با ارائه آموزش‌های مهارتی روز، توانمندی و استقلال افراد را در خوداشتغالی افزایش دهند. برای فراگیر شدن فرهنگ کارآفرینی، باید تغییراتی در سیستم آموزشی و محتوای دروس آموزش‌های فنی و حرفه‌ای داده شود و افرادی در رأس امور قرار گیرند که علاقه‌مند به ایجاد و توسعه فعالیت‌های تولیدی بوده و شرایط مناسب را برای ظهور کارآفرینان را فراهم سازند (ابراهیم‌زاده ۱۳۸۶).

براساس مجموعه بحث‌های فوق الذکر و ویژگی‌ها و اهداف خاص حاکم بر آموزش‌های مهارتی، یکی از فعالیت‌های مهمی که مراکز آموزش فنی و حرفه‌ای می‌تواند در زمینه توسعه کارآفرینی انجام دهد، تدوین و اجرای دوره‌ها و کارگاه‌های آموزشی مرتبط با اشتغال و کارآفرینی به منظور ارتقاء دانش کاربردی، نحوه تجاری سازی مهارت‌های شغلی و راه‌اندازی کسب و کار و تغییر نگرش دانش‌آموختگان است.

در حال حاضر امکانات آموزش‌های فنی و حرفه‌ای کشور، پاسخگوی نیاز واحدهای صنعتی نبوده و در راستای برنامه توسعه صنعتی نیز نیست. مراکز فنی و حرفه‌ای قادر به ارائه خدمات و تربیت نیروی ماهر مورد نیاز برنامه‌های توسعه صنایع نیستند. این مراکز از نظر تکنولوژی آموزشی در سطح پایینی قرار داشته و از نظر نیروی انسانی و امکانات آموزشی وضعیت مناسبی ندارند. در چنین شرایطی کارآموزان، کارایی لازم در رفع نیازهای صنعتی کشور را ندارند و از سوی دیگر آموزش‌های فراگرفته شده در طول دوره آموزشی، تأثیر چندانی در زندگی حرفه‌ای آنها نمی‌گذارد. ایجاد نظام آموزش فنی و حرفه‌ای در نظام آموزش متوسطه کشور، به دلیل نیاز به نیروی ماهر بوده است. اما علت عدم کارایی نیروهای آموزش دیده توسط مراکز آموزش فنی - و حرفه‌ای را باید در نبود برنامه‌ها و امکانات آموزشی مناسب جستجو کرد. تجارب و نتایج پژوهش‌های موجود بیانگر این است که کارآموزان و دانش‌آموختگان این مراکز بعد از فراغت از تحصیل در برابر بازار کار و پیوستن به مشاغل مرتبط، خود را ناتوان می‌دانند، و حتی خود را نسبت به کسانی که این دوره‌ها را نگذرانده‌اند و بطور تجربی مشاغل را آموخته‌اند، دارای توان و کارایی کمتر می‌دانند.

به منظور بالا بردن تأثیر آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در کارآفرینی فراگیران، نیاز به تغییر به سه شیوه در نظام آموزشی فنی و حرفه‌ای است:

۱. مواد: معرفی مواد و منابع آموزش جدید

در ایجاد تغییر و نوآوری در هدف یک نظام آموزشی، تغییر در برنامه درسی و آموزشی آنها امری اجتناب‌ناپذیر به نظر می‌رسد. با توجه به ویژگی‌های عصر حاضر، دیگر تربیت افرادی که صرفاً در استفاده از ابزار و روش‌های انجام مشاغل مهارت داشته باشند، مورد نظر آموزش و پرورش نیست. بلکه باید به تربیت مهارت‌های پایه‌ای در افراد پرداخت تا آنها را در خود اشتغالی و کارآفرینی توانمند سازد (یعقوبی ۱۳۸۹). محتوای این نوع آموزش‌ها باید از حیثه تک‌مهارتی فاصله گرفته و افراد را با تقویت ویژگی‌هایی مانند: ارتباطات، کارهای گروهی، حل مسأله، خلاقیت، نوآوری‌های فردی و اعتماد به نفس، برای حضور در دنیای رقابتی جهانی توانمند سازد. آموزش‌های فنی و حرفه‌ای با در برگرفتن مهارت‌های کارآفرینی همراه با محتوای آموزشی خاص هر رشته، می‌تواند با استفاده از آموزش نقش به‌سزایی در افزایش کارآفرینی فراگیران ایفا کند (هیتی و همکاران ۲۰۱۰؛ آنک‌تاد ۲۰۱۰؛ اوستربیک و همکاران ۲۰۱۰؛ اوگ‌بنل و لیوآمدادی ۲۰۱۰). علاوه بر این آموزش‌های فنی و حرفه‌ای با آموزش مهارت‌های پایه به موازات مهارت‌های خاص، با تربیت کارآموزان چندمهارتی می‌تواند این انتظار را برآورده سازد که فارغ‌التحصیلانی داشته باشد که تحت تأثیر تغییرات سریع شرایط و نیازها، توانایی خود را برای سازگاری با

تحولات حفظ کنند و کهنه شدن تخصص و ناتوانی در رفع نیازها او را از کار نیندازد و همواره توانایی ایجاد کسب و کاری جدید و به روز را داشته باشد. مهرعلیزاده (۱۳۸۴) طبقه‌بندی جامعی از مهارت‌های پایه را به نقل از بخش مطالعات ضروری (۱۹۹۰) به شرح زیر بیان می‌کند:

- مهارت‌های فنی^۱: تغییرات فناوری و سازمان، توسعه درونی سازمان
- مهارت‌های روش‌شناسی^۲: توانایی شناختی، جامع‌نگر بودن، مهارت در استفاده از رایانه
- مهارت‌های اجتماعی^۳: مهارت‌های کلامی، ارتباطی، ایجاد انگیزه برای مباحثه و روش‌های تازه همکاری
- مهارت‌های رفتاری^۴: ارزش‌ها، عقاید، احترام به اهداف اقتصادی مؤسسه، پذیرش خود-مسئولیتی (مهرعلیزاده ۱۳۸۴ ص ۱۲۲).

به عبارتی باید ترکیب و ساختار برنامه‌های آموزشی و درسی مراکز آموزش‌های فنی و حرفه‌ای باید به گونه‌ای باشد که فرد در فرایند مهارت آموزی به سطوح بالای مهارتی برسد و مجموعه دروس عمومی، زمینه‌های اجتماعی، فرهنگی و فناوری را برای پذیرش مهارت‌های جدید و حتی ابداع و خلق آنها در جامعه و نیروی کار فراهم سازد.

با استفاده از چنین برنامه‌های آموزشی و برنامه درسی، می‌توان مشاغل کم بازده را به مشاغل مولد تبدیل کرد و مهارت‌های کارآفرینی را جزء اساسی و جدایی ناپذیر مهارت‌های پایه قرار داد و در هر برنامه آموزشی مورد توجه و آموزش قرار گیرند.

۲. روش‌ها: معرفی روش‌های جدید تدریس و یادگیری

با پیشرفت‌های فناوری اطلاعات و ارتباطات و ظهور آن در آموزش، آموزش فنی و حرفه‌ای در آماده کردن فراگیران برای محیط کار واقعی، افزایش قابلیت استخدام و کارآفرینی آنها، توانمندی بیشتری پیدا کرده است. اخلاقی (۱۳۸۱ ص ۴۵ و ۴۶) در این رابطه اشاره می‌کند که با استفاده از فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات، شکل ارتباط کار و آموزش تحت تأثیر قرار گرفته است و الگوی مجازی ایجاد شده است. براساس این الگو به جای بردن دانش‌آموزان و کارآموزان فنی و حرفه‌ای به محیط‌های واقعی کار فضا و شرایط کار از طریق نرم‌افزارهای رایانه‌ای شبیه‌سازی می‌شود و در اختیار فراگیران قرار می‌گیرد. به نحوی که هنرجویان بتوانند به راحتی و بدون حضور فیزیکی در محیط کار واقعی، تمام فرایند کار را به گونه‌ای مجازی تجربه کنند. این امر از دو جنبه، قابل توجه است: اولاً، تجربه در یک محیط کاری، مستلزم وجود حقیقی آن نخواهد بود. لذا ظرفیت پذیرش هنرجویان برای کارآموزی به ظرفیت و شرایط اقتصادی کشور بستگی نخواهد بود. بدین ترتیب آموزش فنی و حرفه‌ای به سوی جهانی شدن خواهد رفت. ثانیاً، مسأله تغییرات شدید فناوری و مشکل تهیه ماشین‌های گران‌قیمت برای مراکز آموزشی، مانعی برای انطباق آموزش با

۱ . Technical competencies

۲ . Methodological competencies

۳ . Social competencies

۴ . Behavioral competencies

5 . methods

تغییرات جدید نخواهد بود. شاید بتوان گفت الگوی مجازی تا حد زیادی این مشکل را از سر راه توسعه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای برمی‌دارد.

۳. اعتقادات و نگرش‌ها^۱:

این مرحله پیچیده‌ترین مرحله است. در این مرحله باید در نگرش مسؤولین، سیاست‌گذاران، معلمان و دانش‌آموزان نسبت به مواد و روش‌های جدید آموزشی تغییر مثبت ایجاد کرد. مطالعه تطبیقی نظام آموزش عالی ایران و کشورهای که در توسعه آموزش فنی و حرفه‌ای پیشرفت‌های روزافزونی داشته‌اند، نشان می‌دهد که با شناسایی و به‌کارگیری روش‌های مؤثر آموزشی در برگزاری دوره‌های آموزشی مورد نیاز و پیش‌بینی شده، همچنین تدوین نظام جامع ارزیابی آموزشی و محتوای آن با توجه به ملاک‌های آموزش کار و برقراری مکانیزم بازخورد منظم و روزآمد و اصلاح و بهسازی برنامه‌های این آموزشکده‌ها، موجبات رشد کارآفرینی در دانش‌آموختگان این مؤسسات فراهم خواهد شد.

نتیجه‌گیری:

از آنجا که ویژگی عصر حاضر اطلاعات و اطلاعات محوری است، اقتصاد آن نیز مبتنی بر دانش و اطلاعات قرار می‌گیرد و توسعه سرمایه انسانی از طریق سرمایه‌گذاری در آموزش درست و متناسب با عصر دانایی، می‌تواند به صورت رشد اقتصادی نتیجه دهد. آموزش برای توسعه اقتصادی و اجتماعی هر کشور، امری ضروری است. داشتن نیروی کار با انگیزه، انعطاف‌پذیر و خوب آموزش دیده، رمز موفقیت جوامع است (وزارت آموزش و پرورش رواندا ۲۰۰۸، ص ۲؛ یونسکو ۲۰۱۰). امروزه هر کشوری که خواهان توسعه اجتماعی و اقتصادی است باید پایه‌های دانش و مهارت‌ها را از طریق یک سیستم ارائه برای رسیدن به فرصت‌های مناسب فراهم سازند. جامعه جدید از نظر نیروی انسانی به افرادی نیاز دارد که علاوه بر داشتن تخصص لازم، با دارا بودن روحیه‌ای انعطاف‌پذیر و مشارکت‌جویانه در پذیرش مسؤولیت‌های متنوع پیش‌قدم و به طور پیوسته در فرایند آموزش مادام‌العمر در بهبود توانایی‌های خود کوشا باشند. در چنین شرایطی که به دلیل تغییرات سریع تکنولوژیک و تحولات اقتصادی، پیش‌بینی تغییرات بازار کار وجود ندارد، ضرورت هماهنگی مستمر بین نظام آموزشی و بازار کار بیش از پیش محسوس است (هینز ۱۹۹۶). عصر کنونی با تغییر و تحول پیوسته خود، نیازهای متغیری ایجاد کرده که مهارت‌های به روزی را هم می‌طلبد و دانش‌آموخته‌ای که از حوزه دانش و محفوظات فراتر رفته و در حل مسائل عملی آن محدوده تخصصی، مهارت بیشتری داشته و موفق‌تر عمل کند، نسبت به سایرین دارای مزیت رقابتی است (طالبی و زارع یکتا ۱۳۸۷). از آنجا که اشتراکات زیادی بین مهارت‌های کارآفرینی و مهارت-

های پایه عصر حاضر وجود دارد، آموزش‌های فنی و حرفه‌ای می‌تواند با مبنا قرار دادن مهارت‌های پایه و کارآفرینی در محتوای خود و نیز با استفاده از فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات در جهت ایجاد محیط‌های یادگیری شبیه به محیط‌های واقعی کار، توان اشتغال و اشتغالزایی کارآموزان را تقویت کند. اثربخشی و کارایی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای منوط به وجود برخی عوامل و شرایط در ارائه این آموزش‌هاست که از آن جمله می‌توان به ضرورت برنامه‌ریزی مدون برای این دوره‌ها، برخورداری از امکانات و تجهیزات کارگاهی مناسب، انتخاب کارآموزان براساس توانایی‌های عمومی و انگیزه‌های قوی، استفاده از مربیان مجرب و علاقه‌مند، سهم مناسب آموزش‌های عملی و نظری در این دوره‌ها و طراحی زمان مناسب اشاره کرد. به عبارت دیگر می‌توان گفت: تغییر در روند آموزش فنی و حرفه‌ای برای بهبود کارآفرینی، تغییر در مواد، روش و نگرش را طلب می‌کند.

در پایان این مقاله، مداخلات آموزشی به منظور افزایش اثربخشی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در تقویت کارآفرینی کارآموزان، پیشنهاد می‌گردد (در جدول شماره ۳). امید است نظام آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، با توجه به این امور، تأثیر این آموزش‌ها را در کارآفرینی افراد افزایش دهد.

جدول شماره ۳: مداخلات آموزشی پیشنهادی

راهبردها	حوزه‌های مداخله
<ul style="list-style-type: none"> - تأسیس ارگان‌های مرکزی آموزش شغلی و تکنیکی که همه فعالیت‌های این آموزش‌ها را با تقاضاهای بازار کار هماهنگ سازد - مشارکت زیاد همه عوامل و ذی‌نفعان - اطمینان از ایجاد فرصت‌های یادگیری مادام‌العمر برای آموزش فنی و حرفه‌ای - توسعه سیستم اطلاعاتی مدیریت آموزش شغلی و تکنیکی تأسیس یک ... شغلی 	توسعه سیستم آموزش شغلی و تکنیکی
<ul style="list-style-type: none"> - اطمینان از دسترسی همه به این برنامه‌ها - اطمینان از آمادگی زیرساخت‌ها و تجهیزات - توانمند کردن این مراکز آموزشی جهت پشتیبانی از دانش‌آموزان و کارآموزان فقیر 	بهبود بخشیدن دسترسی به برنامه‌های آموزش شغلی و تکنیکی
<ul style="list-style-type: none"> - توسعه برنامه جدید آموزشی مبتنی بر استانداردهای شغلی - ایجاد یک مدل آموزشی مبتنی بر رقابت و تقاضای بازار - ایجاد روش‌های تدریس مرتبط و مدرن و مواد آموزشی در ارتباط با نیازهای بازار 	تضمین کیفیت برنامه‌های آموزش شغلی و تکنیکی

<p>- تدارک دیدن تجهیزات مناسب و بهبود بخشیدن تسهیلات آموزشی</p> <p>- انجام ارزیابی نتیجه محور و بررسی و آزمون‌های عملی</p> <p>- تشویق توسعه واحدهای تولیدی در مؤسسات آموزش فنی و حرفه‌ای</p> <p>- مشارکت دادن بخش خصوصی در توسعه برنامه درسی، ارائه و ارزیابی آموزش فنی و حرفه‌ای</p>	
<p>- اطمینان از کمیت و کیفیت معلمان دوره‌های آموزشی</p> <p>- تأکید بر آموزش مقدماتی و تکمیلی مهارت‌های کارآفرینی، آموزشی و عملی معلمان</p> <p>- ارزیابی معلمان آموزشی مرتبط با شغل</p> <p>- تأمین انگیزه‌های معلمان به منظور جذب و نگهداری آن‌ها</p>	<p>تدارک معلمان کافی و لایق</p>
<p>- تعیین کردن چارچوب و اصولی برای ذی‌نفعان و تأمین‌کنندگان منابع مالی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای</p> <p>- افزایش سرمایه‌گذاری برای بخش آموزش‌های فنی و حرفه‌ای</p> <p>- درگیر کردن بخش‌های خصوصی در نظام آموزشی فنی و حرفه‌ای</p> <p>- سرمایه‌گذاری در نظام آموزشی فنی و حرفه‌ای به منظور ایجاد محیط‌های کارآفرینی</p> <p>- افزایش اثربخشی ارائه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای به منظور ذخیره و بازدهی هزینه‌ها</p>	<p>اطمینان از تأمین برنامه مالی آموزش شغلی</p>

پیشنهادها:

- برای آموزش کارآفرینی باید به ترجمه و تدوین محتوای مناسب پرداخت و آن را به صورت موضوعی جداگانه یا قابل تلفیق با موضوعات درسی دیگر در برنامه درسی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای وارد کرد.
- آموزش مهارت‌های پایه مبنای اساسی برای آموزش در همه رشته‌های فنی و حرفه‌ای قرار گیرد.
- از محیط‌های یادگیری ترکیبی به منظور آموزش فراگیران در مؤسسات آموزش‌های فنی و حرفه‌ای استفاده شود.

- ترکیبی از عوامل مختلف فنی، مهارت‌های آموزشی، ادغام سیستم‌ها، توسعه محتوا و مطالب درسی و بومی کردن آنها، در اجرای اثربخش آموزش مهارتی به کار گرفته شود.
- ایجاد زمینه‌هایی برای فراهم ساختن تسهیلات و وام در جهت اعطای کمک سرمایه به کارآموزان
- فرهنگ‌سازی به منظور ایجاد منزلت اجتماعی دوره‌های فنی و حرفه‌ای، بگونه‌ای که فارغ‌التحصیلان این آموزش‌ها از شأن و منزلت خاصی برخوردار باشند و این موجب خواهد گردید تا انگیزه کارآفرینی در آنان تقویت شود.
- ایجاد تسهیلات برای جوانان و فراهم آوردن اسباب تشویق آنان برای ورود به دوره‌های فنی و حرفه‌ای
- هماهنگ کردن هدف‌های آموزشی و تربیتی با توجه به نیازها و مسائل اجتماعی
- بهبود همکاری و تعامل بین وزارت آموزش و پرورش، وزارت کار و وزارتخانه‌ها و بخشهای مسئول آموزش فنی و حرفه‌ای، مدیران محلی و ناحیه‌ای، سازمان‌های کارگری و کارفرمایی، مؤسسات کارآموزی و کارفرمایان انفرادی در هر ناحیه
- هماهنگ کردن دروس با نیازهای بازارکار و بکارگیری الگوهای جدید یادگیری فعال که در نهایت به بهبود چشم‌انداز اشتغال فارغ‌التحصیلان منتهی گردد.
- افزایش کیفیت آموزشی از طریق افزایش مشارکت صنایع در حمایت از مدارس و بخش آموزش فنی و حرفه‌ای
- تأکید بیشتر نظام آموزش فنی و حرفه‌ای بر کسب مزیت‌های رقابتی عصر حاضر مانند مهارت‌های فنی، اجتماعی، و کارآفرینی از طریق یادگیری فعال
- تشکیل ستاد کارآفرینی در آموزشکده‌های فنی و حرفه‌ای کشور به منظور برنامه‌ریزی مؤثرتر توسعه کارآفرینی مطابق با شرایط و ویژگی‌های منطقه‌ای

منابع:

- آزاد، ابراهیم (۱۳۸۶)، بررسی وضع مطلوب و موجود عملکرد یادگیری در نظام آموزش فنی و تربیت حرفه‌ای - اقتصادی، دبیرخانه طرح تدوین سند ملی آموزش و پرورش. نگارش سوم. ۶۴-۱
- ابراهیم‌زاده، فریمان (۱۳۸۶) نقش آموزشکده‌های فنی و حرفه‌ای در کارآفرینی دانش‌آموختگان. نشریه تخصصی اشتغال و کارآفرینی رویش. شماره ۱۸
- احمدپورداریانی، محمود و همکاران (۱۳۷۸) پروژه بررسی تجارب موفق، سیاستها و برنامه‌ها و اقدامات ده کشور جهان در زمینه توسعه و ترویج کارآفرینی.
- احمدی‌پور، لقمان (۱۳۸۸) بررسی اثربخشی آموزش مهارت‌های کارآفرینی، ماهنامه اجتماعی، اقتصادی، علمی و فرهنگی، شماره ۱۰۸.
- اخلاقی، علی اصغر (۱۳۸۱) الگوهای ارتباط بین مراکز آموزشی و محیط کار، فصلنامه نوآوری‌های آموزشی، شماره دو، سال اول، ص ۳۵-۵۱

امیری، میثم (۱۳۸۸) سیاست‌های اجرایی توسعه آموزش فنی و حرفه‌ای در سال ۱۳۸۶. هفته نامه اجتماعی، سال هشتم، شماره ۳۲۷، ۱۳-۱۶

ایزدی، صمد. صفارحیدری، حجت. (۱۳۸۱)، بررسی وضعیت اشتغال کارآموزان آموزش دیده فنی و حرفه‌ای استان مازندران طی برنامه دوم توسعه اقتصادی- اجتماعی. پژوهشنامه علوم انسانی و اجتماعی، سال اول، شماره چهارم

بازار کار (ویژه اطلاع‌رسانی اشتغال). (۱۳۸۹). شنبه. ۱۶ بهمن. سال یازدهم. شماره ۵۸۸

بانک جهانی. (۲۰۰۳) یادگیری مادام‌العمر در اقتصاد دانش‌محور. ترجمه مصطفی عمادزاده و فریمه کسائی‌ان. (۱۳۸۷). اصفهان. انتشارات جهاد دانشگاهی

برزگر، محمود. محمدی، سربه (۱۳۸۱)، بررسی وضعیت اشتغال مهارت آموختگان رشته‌های کامپیوتر و الکترونیک شاخه کاردانش در شهر تهران، چکیده تحقیقات آموزش فنی و حرفه‌ای، جلد سوم، ص ۱۷۱

برزگر، محمود (۱۳۸۲). مطالعه وضعیت اشتغال فارغ التحصیلان رشته‌های نقشه‌کشی ساختمان و حسابداری شاخه کاردانش در شهرستان‌های استان تهران، چکیده تحقیقات آموزش فنی و حرفه‌ای، جلد سوم، ص ۲۷۵

پورآتشی، مهتاب (۱۳۸۷) نهادینه کردن آموزش کارآفرینی در نظام آموزش عالی، نامه آموزش عالی، دوره جدید، سال اول، شماره اول، ص ۴۹-۶۳

حسینی، همت‌اله (۱۳۸۱). بررسی کارایی بیرونی رشته‌های موجود در شاخه کاردانش استان خوزستان، چکیده تحقیقات آموزش فنی و حرفه‌ای، جلد سوم، ص ۲۲۵

حسینی لرگانی، مریم. میرعرب رضی، رضا. رضایی، سعید (۱۳۸۷) آموزش کارآفرینی در هزاره جدید؛ زیرساختی برای اشتغال دانش‌آموختگان آموزش عالی، فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، شماره ۵۰، ص ۱۳۵-۱۱۹

خدابنده‌لو، حجت‌الله (۱۳۸۹) بررسی زمینه‌های پرورش کارآفرینی در هنرستانهای فنی و حرفه‌ای شهر اهواز از نظر مدیران؛ دبیران و دانش‌آموزان، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید چمران اهواز.

درانی، کمال. صالحی، کیوان (۱۳۸۵) ارزشیابی هنرستان‌های کاردانش با استفاده از الگوی سیپ به منظور پیشنهاد الگویی برای بهبود کیفیت هنرستان‌های کاردانش. مجله روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران، شماره ۱ و ۲. بهار و تابستان.

سیفیه، آریتا (۱۳۸۵) نقش آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در توسعه خود اشتغالی، ماهنامه مهارت، شماره ۴۳، ص ۱۸-۲۱

سلیمی فر، مصطفی. مرتضوی، سعید (۱۳۸۴) سرمایه انسانی و کارآفرینی در رویکرد فنی و حرفه‌ای (مورد مطالعاتی خراسان)، مجله دانش و توسعه، شماره ۱۷، ص ۶۳-۸۷

شریف، مصطفی. نیکخوا، محمد. نیلی، محمدرضا (۱۳۸۶) کارایی بیرونی شاخه فنی و حرفه‌ای آموزش متوسطه شهرستان شهرکرد بر مبنای دو شاخص اشتغال و ادامه تحصیل فارغ التحصیلان. دو ماهنامه علمی - پژوهشی دانشور رفتار، سال چهاردهم، شماره ۲۷، ص ۵۵-۶۶

طالبی، کامبیز. زارع یکتا، محمدرضا (۱۳۸۷) آموزش کارآفرینی دانشگاهی و نقش آن در ایجاد و توسعه شرکت های کوچک و متوسط دانش بنیان، فصلنامه توسعه کارآفرینی، سال اول، شماره اول، پاییز، ص ۱۱۱-۱۳۱

عدلی، فریبا (۱۳۸۴) مدیریت دانش حرکت به فراسوی دانش. تهران: انتشارات فراشناختی اندیشه عطاریان، نادره (۱۳۸۰)، بررسی وضعیت و عوامل مرتبط با اشتغال دانش‌آموختگان شاخه کاردانش در شهر مشهد، چکیده تحقیقات آموزش فنی و حرفه‌ای، جلد سوم، ص ۲۴۷

فیض، داوود. صفایی، میلاد (۱۳۸۸) ارزیابی و مقایسه‌ی ویژگیهای شخصیتی کارآفرینانه دانشجویان دانشکده‌های مختلف دانشگاه سمنان. فصلنامه‌ی انجمن آموزش عالی ایران. سال دوم. شماره ۲، ص ۱۵۸-۱۳۷

فیوضات، یحیی (۱۳۷۴) مبانی برنامه ریزی آموزشی، تهران: نشر ویرایش، چاپ دوم.

قلی‌پورسلیمانی، علی. طالبی، سمیه (۱۳۹۰) دانشگاه و ویژگی‌های کارآفرینی. مقاله چاپ نشده کاووسی، طهماسب (۱۳۸۷) رابطه آموزش‌های کار و دانش و فنی و حرفه‌ای با اشتغال در استان آذربایجان شرقی، دو فصلنامه مدیریت و برنامه‌ریزی در نظام‌های آموزشی. سال اول. شماره اول

لرستانی، ایرج (۱۳۸۱)، بررسی اشتغال فارغ التحصیلان کاردانش کرمانشاه، چکیده تحقیقات آموزش فنی و حرفه‌ای، جلد سوم، ص ۲۳۷

مهرعلیزاده، یداله (۱۳۸۴) جهانی شدن، تغییرات سازمانی و برنامه ریزی توسعه ی منابع انسانی. اهواز: انتشارات دانشگاه شهید چمران اهواز

مقیم، محمد. خنیفر، حسین. قادری، اسماعیل (۱۳۸۶) بررسی مهارت‌های کارآفرینانه مدیران و اثربخشی سازمانی در کسب و کارهای کوچک و متوسط، دانش مدیریت، دوه ۲۰، شماره ۷۹، ص ۹۳-۱۱۰

یعقوبی نجف آبادی، اشرف. (۱۳۸۹). آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و کارآفرینی، رشد آموزش فنی و حرفه‌ای. دوره ششم، شماره یک. ص ۴۹-۵۴

Awogbenle, A.C, and Iwuamadi., K. Ch. (2010). Youth unemployment: Entrepreneurship development programme as an intervention mechanism.

African Journal of Business Management Vol. 4(6), pp. 831-835, June 2010 Available online at <http://www.academicjournals.org/AJBM>

Banda.h.s.(2005). Entrepreneurship and Economic Growth: An Empirical Analysis, Dirección de Estudios Económicos Dirección General de Investigación Económica Banco de México,

Garavan, T , cinneide, b,(1994),"entrepreneurship education and training programmers: a review and evaluation – part *journal of European industrial training* ,vol,18, no.8,pp.3-12

Graevenitz, g.n, harhoff,d, weber,r. (2010). The effects of entrepreneurship education. **Journal of behavior & organization**,76, pp90-112..www.elsevier.com

Haq Mahbub & Haq Khadija,(1998), Human Development in South Asia,Karachi: Oxford University Press

Hnes, B.(1996). Entrepreneurship education and training in higher education. **Journal of Agricultural Education**, vol.20,n.8.pp 10-17

Hytti,u, Stenholm ,p , heinonen,j. (2010). Perceived learning outcomes in entrepreneurship education the impact of student motivation and team Vol. 52 No. 8/9, 2010, pp. . **Training behavior. Journal of Education** 587-606. www.emeraldinsight.com

Kotze, A(2008). Negotiating TVET for sustainable Livelihoods. **Journal of Workplace Learning**. Vol. 20 No. 7/8, pp 480- 491(www.emeraldinsight.com/1366-5626.htm)

). Technical and Vocational Education and Training (TVET) Policy in Rwanda.

and Vocational Education in Nkanza, p(2003). Regulation of Technical and Vocational Education Zambia. Conference on the Reform of Technical pp 1-9.(TVET) Gaborone, Botswana and Training

Oketch, m. (2007). To vocationalise or not to vocationalise? Perspectives on current trends and issues in technical and vocational education and training (TVET) in Africa. **International Journal of Educational Development** . Vol.27 .pp 220–234

Oosterbeek,h, Praag, M.V. Ijsselstein,A. (2010). The impact of entrepreneurship education on entrepreneurship skills and motivation *journal homepage*. 54. 442-454. www.elsevier.com/locate

Tabbron ,g, yang j. (1998). The interaction between technical and vocational education and training (TVET) and economic development in advanced

countries. **International Journal of Educational Development**, Vol 17,
Issue 3, Pp 323-334

Unctad. (2010). Entrepreneurship education, innovation and capacity-
building in developing countries. United Nations Conference on Trade and
Development. Distr: General, 10 November 2010. td/b/c.ii/mem.1/9

Unesco. (2010). Entrepreneurship Education as a Tool to Support Self-
Employment in Kenya.

Centre for Technical and UNESCO-UNEVOC International Published by
Education and Training. pp 1-8([www. Unesco.org](http://www.Unesco.org)) Vocational

investigation of role of technical education and vocational training on development of entrepreneurship in the age of globalization

Abstract:

recently, knowledge and entrepreneurship activity have key roles at social
changing of any society that in this aspect, skill leaning is one of the
relevant policies for development of societies. The purpose of this article
is investigation of role of technical education and vocational training on
development of entrepreneurship in the age of globalization. Method of
this study that is from type of descriptive- analytical researchs, is review.
This paper provides definitions of the concepts of entrepreneurship and
technical and vocational, to examine increasing ways of impacts the
technical and vocational training on entrepreneurial development. The
survey results suggest that the phenomenon of globalization and its impact
on the economy would have been avoided politics Mark skill, technical
and vocational and entrepreneurship training. The findings of this study
also showed that although many of the graduates of technical and
vocational training, For many reasons don't have ability to absorb the
labor market, However, technical and professional training have a
potentially important role in the entrepreneur human resources training
that with relevant strategy, management and program planning, can take
advantage of its results. Technical and vocational education system can
be moved with creat planned and purposeful changes in the materials,
ways, and attitudes of stakeholders and officials sector to increase
entrepreneurship of Trainees. At the end of this article refers to policies
and proposals in this area.